

مرگ و زندگی

## فشار ترامپ به کارگران در شرایط کرونایی

بررسی نقادانه بهداشت و ایمنی کارگران در آمریکا

۴۹ سال پیش، قدرت سازمان دهی شده کارگران، سازمان بهداشت و ایمنی حرفه‌ای را برای آن‌ها به ارمغان آورد. این پیروزی جان هزاران نفر را در محل کار در سرتاسر کشور نجات داده است، اما اکنون، ما باید به چیزی بیش از اصلاحات نظارتی فکر کنیم. یک پاندمی جهانی باعث شد که بار دیگر، بهداشت و ایمنی حرفه‌ای در مرکز توجه سیاست آمریکا قرار گیرد. بهداشت و ایمنی حرفه‌ای برای بسیاری افراد، به مسئله‌ای شخصی تبدیل شده است زیرا روزانه میلیون‌ها کارگر مجبورند بین کسب درآمد یا سالم ماندن، یکی را انتخاب کنند. در اینجا فقط مسئله، نان و آب نیست، بلکه مسئله مرگ و زندگی است. همین حالا، هم کارگران اتحادیه‌ای و هم کارگران غیراتحادیه‌ای برای به دست

دستور اجرایی محل کار ایمن و مناسب را که در دوره او با ما صادر شده بود، لغو کرد. به کارفرمایان دستور داده بود تا موارد ابتلا به ویروس کرونا را گزارش ندهند که منجر به تضعیف دستاوردهای اُشا شده‌اند. لذا در شرایط کنونی برای بازسازی اُشا، باید مبارزه اساسی (دموکراسی اجتماعی یا [انقلاب اجتماعی]) شود تا منابع و توانمندی‌های اُشا افزایش داده شود و برای این کار، باید ابزارهای سیاسی برای افراد طبقه کارگر باشیم تا بتوانند اختیارات و قدرت‌های بیشتری در تمامی سطوح جامعه پیدا کنند.

پائول پرسکاد<sup>۱</sup>، معلم اجتماعی و عضو فدراسیون معلمان «فیلادلفیا»<sup>۲</sup>، در سال ۲۰۲۰ مطلبی با عنوان «ویروس کرونا به ما نشان می‌دهد که چرا بهداشت و ایمنی حرفه‌ای به مسئله مرگ و زندگی برای کارگران، تبدیل شده است»، در نشریه «ژاکوبین» با گذری بر دستاوردها و محدودیت‌های اداره بهداشت و ایمنی حرفه‌ای (اُشا)، به دنبال بررسی و نقد بهداشت و ایمنی کارگران آمریکایی در زمان اپیدمی ویروس کرونا است. در واقع، او معتقد است بر روی کار آمدن دولت ترامپ، باعث شد تا دوباره کارگران مانند قبل از اُشا<sup>۳</sup>، زیر چرخ بی‌قانونی له شوند. چراکه دولت ترامپ،

1. PAUL PRESCOD  
2. Philadelphia  
3. Occupational Safety and Health Administration (OSHA)

آوردن تجهیزات محافظتی، حقوق سختی کار، مرخصی با حقوق و سایر اقدامات مبارزه می‌کنند. با این حال، بیشتر اتحادیه‌ها و آژانس‌های فدرال، آمادگی لازم برای پرداختن به موضوع امنیت محل کار با این مقیاس وسیع را ندارند.

هرروزه گزارش‌هایی از پرستاران، پزشکان و رانندگان آمبولانس، به دست می‌رسد که بدون اینکه ماسک ان ۹۵ برای محافظت از خود داشته باشند، در حال درمان بیماران هستند؛ تا به الآن نیزده‌ها یا بیش از صدها کارمند بخش سلامت، از ویروس کرونا جان باخته‌اند. حتی کارگران ترانزیت آمریکا نیز در سرکار به این بیماری مبتلا شده و تقریباً یک صد نفر از آن‌ها، تاکنون به خاطر ابتلا به ویروس کووید-۱۹، جان خود را از دست داده‌اند. اکنون، وقت آن است که به اطلاعات، دستاوردها و محدودیت‌های اداره بهداشت و ایمنی حرفه‌ای (اُشا) - که ۴۹ سال پیش در یک چنین روزی در ۲۸ آوریل ۱۹۷۱ تأسیس شد - نظری بیفکنیم. از بسیاری جهات، جنبش قانون‌گذاری درباره بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، نمایانگر نوعی سیاست‌گذاری درباره امور کارگران است که باید جایگزین شود؛ البته پیشگام و ائتلافی بود و در مورد تمام کارگران مصداق داشت، نه فقط کارگران اتحادیه‌ای. در دوره سیاست جنگ سرد که تلاش بر این بود، حوزه جنبش

کارگری کاهش داده شود تا بتواند هزینه افزایش حقوق و بیمه‌های بازنشستگی را بپردازد، این طرح، کارگران را برانگیخت و آنان را حول محور تقاضاهای غیراقتصادی گرد هم آورد. با این حال، اُشا نتوانسته است، انتظارات مشخص مبارزان خود را برآورده سازد. مشکلاتی که قرار بود آن‌ها را بکاهد، همچنان پابرجا هستند و در سال‌های اخیر، قدرت و جاه‌طلبی آژانس، از بین رفته است. محدودیت‌های شدید اقدامات بهداشت و ایمنی حرفه‌ای در آمریکا ارتباط نزدیکی با ضعف فوق‌العاده وضعیت رفاه جامعه ما و سازمان‌دهی ضعیف طبقه کارگر دارد.

تا زمانی که کنترل بر سازمان‌دهی تولید و سرمایه‌گذاری در دستان سرمایه‌دار قرار دارد، بهداشت و ایمنی کارگران همیشه در درجه دوم اهمیت، قرار خواهد گرفت و تابع نیازهای بیشینه‌سازی سود خواهد بود، البته علی‌رغم هر آن چیزی که به عنوان قانون در کتاب‌ها، نوشته شده باشد. به منظور آن‌که امروز اُشا پتانسیل خود را برآورده سازد، به چیزی بیش از موضوع افزایش منابع آژانس نیاز است. البته، در اینجا و اکنون، ما باید برای بقای اُشا تلاش و مبارزه کنیم؛ اما به منظور دستیابی به پیشرفت‌هایی در زمینه ایمنی پایدار در محل کار، باید ویژگی‌های سنتی دموکراسی اجتماعی پیشرفته را زنده کنیم که

این ویژگی‌ها، عبارت‌اند از: تعداد بالای کارگران اتحادیه، ابزارهای سیاسی که نمایانگر طبقه کارگران هستند و کنترل دموکراتیک بیشتر بر تولید و دستاورد.

خواسته سیاسی برای نیازهای بهداشت و ایمنی حرفه‌ای را باید امروز، یک بار دیگر در اولویت اتحادیه‌ها و نیروهای پیش‌رونده قرارداد و این پاندمی، در واقع انگیزه‌ای برای این کار فراهم نموده است. هم چنین، فرصتی است تا دوباره نحوه فکر کردنمان درباره این مسئله را بر روی کاغذ بیاوریم و از ملاحظات استخدام کارگر و تأمین بودجه فراتر برویم. کوتاه سخن این‌که بهداشت و ایمنی حرفه‌ای درباره قدرت طبقه کارگر در تعیین شرایط زندگی روزانه خود است.

قبل از اُشا وضعیت محل کار در آمریکا، به چه شکل بود؟ قبل از اُشا، قوانین محافظت از ایمنی کارگران به طور اسف‌انگیزی ناکافی بود و تحت سلطه دیدگاه کارفرمایان قرار داشت.

این دوره در رمان «جنگل»<sup>۱</sup> از آپتون سینکلر<sup>۲</sup>، مستند شده است. این کتاب شرایط کاری بی‌رحمانه و وحشیانه در کارخانه‌های بسته‌بندی گوشت را به تصویر می‌کشد که در آن زمان، ملت را شوکه کرد. نخستین موج اصلاحات محل کار در عصر ترقی خواهی<sup>۳</sup> پدید آمد و

1. The Jungle,  
2. Upton Sinclair  
3. Progressive Era

را می‌داد، درحالی‌که ۱۶۰ اتحادیه تجاری وجود داشت. بیشتر شرکت‌ها به جای تمرکز بر آموزش کارگر در خصوص خطرات شغلی و پیشگیری از سوانح شغلی، به تبلیغاتی متوسل شدند که کارگر را به بی‌دقتی و رخداد سوانح متهم می‌کرد. فشار برای قانون‌گذاری در خصوص بهداشت و ایمنی حرفه‌ای از سوی کارگران، سازمان‌یافته می‌آمد و نه از سوی ابتکار عمل کنگره. اغلب ساختارهای نهادی جنبش‌های کارگری، عقب‌تراز کارگران عضو اتحادیه کارگری بودند. در طی دهه ۱۹۶۰ موجی از اعتصاب‌های غیررسمی ستیزه‌جویانه و ناگهانی صنایع سنگین را تکان داد. در طی این مدت، چرخه کسب و کار و استفاده از فناوری، بزرگ‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت ایمنی

تأمین مالی می‌کردند. مؤسسه استانداردهای ایالات متحده آمریکا، مهم‌ترین سازمان تدوین استاندارد خصوصی بود. در دهه ۱۹۲۰، مؤسسه استانداردهای ایالات متحده آمریکا، شاهد ورود تعداد زیادی از سازمان‌های صنعتی و تجاری بود و از آن زمان تاکنون، تحت کنترل آن‌ها قرار داشته است. اگرچه ادعای نمایانگر طیف وسیعی از منافع (افراد مختلف) بودن را می‌کرد، اما خود تحت سلطه منافع کسب و کارهایی قرار داشت که آن را ایجاد نموده و تأمین بودجه کرده بودند. در اواخر دهه ۱۹۶۰، به مؤسسه استانداردهای ملی آمریکا تغییر نام داده شد و فقط به ۶ اتحادیه تجاری اجازه شرکت در مذاکرات کمیته

در ابتدا، شرکت‌هایی این موج به راه انداختند که آن را روش خوبی به‌منظور پرهیز از تشکل اتحادیه‌ای می‌دیدند. برنامه‌های پرداخت غرامت به کارگر، محصول این تلاش‌های آغازین برای اصلاح است که از قضا، کارفرمایان این برنامه‌ها را ترجیح می‌دادند زیرا هزینه‌های سوانح را قانونی می‌کرد و به آن نظم می‌بخشید. پرداخت غرامت به کارگر، نزاع‌ها و اختلافات را از کف مغازه به ادارات منتقل کرد. در بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰، به غیر از هشت ایالت، تمام ایالات، قوانین پرداخت غرامت به کارگر را تصویب نمودند. استانداردهای ایمنی اولیه نیز توسط نهادها تنظیم شدند و خود این نهادها، تحت کنترل مؤسسات تجاری‌ای بودند که آن‌ها را سازمان‌دهی نموده و

1. The United States of America Standards Institute (USASI)
2. American National Standards Institute



در محل کار بودند. ترکیب افزایش تولید برای جنگ ویتنام و اتوماسیون، نرخ صدمات و مرگ و میر کارگران را بسیار افزایش داد.

کارگران معدن، شاید نمونه بارز مبارزه برای بهداشت و ایمنی حرفه‌ای در آن زمان بودند. در سال ۱۹۶۸ نمایندگان کنوانسیون انجمن کارگران معدن آمریکا، ۱۸ راهکار مجزا در خصوص سرطان ریه (سیاه ششی) ارائه دادند؛ سیاه ششی بیماری است که در آن زمان، در بیشتر کشورهای پیشرفته ریشه‌کن شده بود اما همچنان بدن کارگران معدن آمریکا را نابود می‌کرد. این مسئله به علاوه تأسیس انجمن سرطان ریه<sup>۲</sup> در اوایل دهه ۱۹۶۹، علامت افزایش آگاهی در این خصوص بود. در جلسات انجمن سرطان ریه، تعداد شرکت‌کنندگان بالا بود و این مسئله، جمعیت‌های معدن را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود.

در سال ۱۹۶۹، معدنچیان دست به نخستین اعتصاب غیررسمی و بدون هشدار قبلی خود به دلیل بهداشت و ایمنی حرفه‌ای زدند و درخواست اصلی آن‌ها، به رسمیت شناختن کامل بیماری سیاه ششی به عنوان یک بیماری ناشی از محل کار بود و خواستار پرداخت غرامت آن بودند که این عمل جسورانه، کنگره را شوکه ساخت و قانون

بهداشت و ایمنی معدن زغال سنگ<sup>۳</sup> را تصویب نمود. با این کار، نظارت فدرال برای ایمنی معدن زغال سنگ، گسترش یافت و بیشتر شد. این توجه جدید بر امنیت محل کار در سیاست‌های داخلی انجمن کارگران معدن آمریکا نمایان بود. هنگامی که جاش یابلونسکی<sup>۴</sup> رهبری اتحادیه توسط تونی بویل<sup>۵</sup> را بر سر سؤال برد، ارائه یک طرح جامع و مفصل برای بهبود بهداشت و ایمنی، در واقع مسئله‌ای مهم و کلیدی برای این خط مشی حزبی بود.

با از سرگیری مبارزات کارگران عضو اتحادیه، فعالیت‌های مقامات اداری فدراسیون کارگران آمریکا، از سر گرفته شد؛ البته کنگره سازمان‌های صنعتی<sup>۶</sup> نیز در جریان بود اما به گندی کار می‌کرد. شاید بهترین نمونه رهبریک اتحادیه که قادر بوده است هم کارگران اتحادیه و هم بروکرسی جنبش کارگری را تکانی بدهد، تونی مازوچی<sup>۷</sup> باشد. مازوچی به عنوان یکی از مقامات اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی<sup>۸</sup>، دانشی عمیق و دقیق درباره خطرات جدیدی داشت که در محل کار صنعت پتروشیمی پررونق وجود داشت. تجربه مازوچی آشکار کرد که کارگران،

هیچ‌گونه راهنمای حقوقی واقعی برای سروکار داشتن با خطرات محل کار نداشتند. مازوچی می‌گوید: «من گفتم بله باید چیزی وجود داشته باشد و شروع کردم به تماس گرفتن با اینجا و آنجا. نتوانستم چیزی پیدا کنم. خدای من! هیچ قانونی وجود نداشت و کم‌کم برای نخستین بار، فهمیدم که الگویی برای این کار وجود دارد. افراد مشکلات داشتند و هیچ مکانی برای مراجعه وجود نداشت.»

مازوچی دانست که همیشه نیاز است قبل از قرار دادن برنامه‌ای گسترده در جنبش کارگری، پایگاه آن را به وجود آورد. اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی در منطقه هشت<sup>۹</sup>، پایگاه آن بود و در کنوانسیون اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی در سال ۱۹۶۷، او به دقت پیشبرد و تصویب قطعنامه‌ای را هدایت نمود که ایجاد جمعیت حامی قانون ایمنی شغلی (حرفه‌ای) را اجباری می‌ساخت. بیانات او مقدمه‌ای بود بر سخنرانی شورانگیز رالف نادر<sup>۱۰</sup> که از جنبش کارگری می‌خواست، برای رفاه و سلامت این جمعیت مبارزه کنند تا «به عنوان یک نیروی خلاقانه بقاء یابند، نه یک نیروی دفاعی». این قطعنامه، تصویب شد و به مازوچی آزادی عمل داد تا ائتلاف‌ها و برنامه‌های

3. Coal Mine Health and Safety Act

4. Josh Yablonski

5. Tony Boyle

6. The American Federation of Labor and Congress of Industrial Organizations (AFLCIO)

7. Tony Mazzocchi.

8. Oil, Chemical, and Atomic Workers Union

(OCAW).

1. United Mine Workers Association (UMWA)

2. Black Lung Association

9. District 8

10. Ralph Nader



با بوروکراتیک‌های میان رده در دولت و جنبش کارگری همکاری کرد. جان ج. شیهان<sup>۲</sup> لابیست<sup>۳</sup> اتحادیه کارگران فولاد<sup>۴</sup>، مسئول لابی (اعمال نفوذ) کاپیتول هیل<sup>۵</sup> بود. در سال ۱۹۶۵، تیلور رهبری گروه ضربتی را بر عهده گرفت که «گزارش فرای<sup>۶</sup>» را ارائه دادند. این گزارش حاکی از تغییرات مهمی در بخش سلامت شغلی<sup>۷</sup> (بهداشت حرفه‌ای) بود. اگرچه رئیس بهداری آمریکا آن را رد کرد اما توجه فدراسیون کارگران آمریکا - کنگره سازمان‌های

صنعتی را به این موضوع جلب کرد. از اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی و اتحادیه کارگران فولاد - که پشتیبانان این امر بودند - به منظور تأثیرگذاری بر فدراسیون کارگران آمریکا - کنگره سازمان‌های صنعتی استفاده شد. در سال ۱۹۶۸، کارگران فولاد کنفرانسی در پترزبورگ<sup>۸</sup>، در خصوص کنترل کیفیت هوا برگزار نموده و اعضای آن را تشویق کردند به اینکه در جنبش طرفداری محیط زیست فعال باشند. آن‌ها شروع به مطرح ساختن بهداشت و ایمنی کارگران در مذاکرات نمودند که این کار، در واقع انحراف از توجه و تمرکز اقتصاددان‌های سنتی بیشتر

مواد سمی موجود در محل کار نظارت شود. با این دیدگاه، سفر و بازدیدهای او از سراسر کشور، پایگاه عظیمی برای ایمنی محل کار به وجود آورد و این مسئله، فقط به کارگران مربوط نمی‌شد بلکه مسئله حفظ محیط زیست هم بود. از طریق ارائه و همچنین شنیدن شهادت‌های مستحکم درباره بی‌توجهی کامل شرکت‌ها نسبت به زندگی و جان کارگران، آن‌ها کم‌کم خود را به عنوان بخشی از یک جنبش بزرگ‌تر می‌دیدند. ساده بود، اما قدرتمند و مؤثر. سایر آمار و ارقام از سوی کارگران و تلاش‌های مازوچی و همکاری با او، کمک نمود تا فعالیت‌های بوروکراسی کارگری را سرعت بخشند.

جورج تیلور اقتصاددان کارمند در واحد پژوهش فدراسیون کارگران آمریکا - کنگره سازمان‌های صنعتی،

آموزشی را پیرامون سلامت شغلی ایجاد نماید. از آنجا به بعد، او همراه با دانشمندان و پزشکان، به طور جدی شروع به بازدید از محل‌های کار در سرتاسر کشور نمود و دانشمندان و پزشکان با کارگران درباره ایمنی و بهداشت محل کار صحبت می‌کردند. ایده آن‌ها جمع‌آوری شواهدی بود که می‌توانست به پیروزی لایحه جدید بهداشت حرفه‌ای منجر گردد. مازوچی به طور عالی این موضوع را سازمان دهی کرد تا بتوان آن را به راحتی با طیف وسیع‌تری از سایر نیروها پیوند داد. در آن زمان، بیشتر طرفداران حفظ محیط زیست در مورد مسئله کارگران و محل کار، نقطه ضعف داشتند؛ اما این مسئله برای مازوچی، بسیار اهمیت داشت. آلودگی در محل کار شروع شده بود و تنها راه محافظت از مردم در برابر آلودگی، این بود که بر

2. John J. Sheehan

3. lobbyist

4. United Steelworkers

5. Capitol Hill

(ساختمان کنگره ایالات متحده آمریکا)

6. Frye Report

7. Division of Occupational Health

8. Pittsburgh

1. George Taylor

اتحادیه‌های صنعتی بود. رئیس اتحادیه کارگران فولاد آبروویت ابل<sup>۱</sup>، اطمینان داد که اتوبوس اتوبوس کارگر به کاپیتول هیل خواهد آورد تا برای قانون‌گذاری فشار آورند. تغییرات گسترده‌تر در ساختار فدراسیون کارگران آمریکا-کنگره سازمان‌های صنعتی، همچنین فرصت‌هایی را برای طرفداران بهداشت و ایمنی حرفه‌ای به وجود آورد. این فدراسیون حمایت رسمی خود را از تلاش‌های بهداشت و ایمنی اعلام نمود اما منابع زیادی در اختیار آن‌ها گذاشته نشد. لیکن جدا شدن اتحادیه کارگران اتومبیل‌سازی از فدراسیون کارگران آمریکا-کنگره سازمان‌های صنعتی، در سال ۱۹۶۸ باعث شد که اتحادیه کارگران فولاد، قدرتمندترین اتحادیه حاضر در این فدراسیون باشد. رئیس اتحادیه کارگران فولاد، ابل، کنترل دپارتمان اتحادیه صنعتی را بر عهده داشت؛ که این دپارتمان، فعالیت سیاسی اتحادیه‌ها را در صنایع تولید انبوه هماهنگ می‌ساخت. او از این دپارتمان استفاده کرد تا منابع واقعی را در اختیار گروه‌های اعمال فشار برای قانون‌گذاری فدرال قرار دهد. این مثال نشان می‌دهد که نیاز به فعالان کارگری پیشرو است تا بتوان به طور هوشمندانه‌ای از ساختارهای نهادی جنبش کارگری به نفع خود استفاده کرد. خارج از جنبش‌های کارگری، گروه‌های

ذی‌نفوذ مردمی و سازمان‌های حفظ محیط‌زیست نیز به اشاعه این مطلب کمک کردند که اصلاحات محل کار، به نفع عموم مردم است و نه این‌که فقط یک موضوع محدود به اتحادیه کارگری باشد. این ائتلاف‌ها و چارچوب بندی‌ها، به طور هوشمندانه‌ای توسط تونی مازوچی شکل گرفته و تقویت شدند. در سال ۱۹۶۸، ائتلافی با بیش از ۱۰۰ کارگر، مصرف‌کننده، گروه‌های مذهبی و گروه‌های طرفدار حفظ محیط‌زیست، تشکیل شد تا برای تصویب قانون بهداشت و ایمنی حرفه‌ای فشار وارد آورند. به غیر از حمایت سیاسی، تخصص فنی سایر جنبش‌ها نیز در فرایند قانونی ساختن، به کار گرفته شد. همان‌طور که یکی از مقامات اتحادیه کارگران فولاد، جان شیپهان بیان می‌دارد: «بدون قانون هوای پاک، بهداشت و ایمنی حرفه‌ای نیز وجود نداشت. تمام بر ساخت‌های قانونی، ترمینولوژی و تخصص تکنیکی فنی مورد نیاز برای قانون‌گذاری در خصوص بهداشت و ایمنی حرفه‌ای را ما از کار کردن بر روی قانون هوای پاک یاد گرفتیم». فشار این جنبش با منافعی که از درون کاخ سفید نشئت می‌گرفت، همسو بود. از سال ۱۹۶۶ به بعد، دولت لیندون جانسون<sup>۲</sup> به دنبال موضوع «حقوق پسا مدنی» بود تا هزینه‌های هنگفتی روی دست دولت نگذارد. تیم

جانسون، موضوعات «کیفیت جدید زندگی» را در شعارهای تبلیغاتی خود به منظور انتخاب مجدد برای ریاست جمهوری در سال ۱۹۶۸ مطرح ساختند. بهداشت و ایمنی حرفه‌ای (شغلی) نیز یکی از آن موضوعات بود. در طی پیام تأمین نیروی انسانی او در ماه ژانویه سال ۱۹۶۸، لایحه بهداشت و ایمنی حرفه‌ای را پیشنهاد داد. تعجبی ندارد که دنیای شرکتی در قدم به قدم این قانون، با آن جنگید و مبارزه کرد و استدلال‌ها نیز این بود که بهبود ایمنی باید داوطلبانه صورت گیرد نه اینکه وزارت کار را مجبور کنیم، استانداردهایی در این خصوص تدوین نماید. با این حال، شرکت‌ها در میان خود در خصوص این مسئله، دچار تفرقه شدند، نتوانستند حرف‌هایشان را یکی کنند و به عنوان یک گروه و طبقه ظاهر گردند. برخلاف طرفداران اُشا، آن‌ها نتوانستند یک دیدگاه و نگرش مثبت مبنی بر این‌که اولویت‌هایشان به نفع اکثریت جامعه بود، ارائه دهند. تلاش‌های چندجانبه تشکیل جنبشی در خصوص بهداشت و ایمنی حرفه‌ای (شغلی) به این معنی بود که این موضوع، از قبل هم در دستور کار قرار داشت، یعنی هنگامی که ریچارد نیکسون<sup>۳</sup> به قدرت رسید؛ کمپین انتخاباتی او یک راهبرد هماهنگ را به پیش برد تا بر کارگران پیروز شود و همراه با

3. Richard Nixon

2. Lyndon Johnson

1. Iorwith Abel



مفهوم در مورد قانون بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، به کار می‌رود. با دانستن اینکه شرکت‌ها کمترین کار را برای پیروی از اُشا انجام خواهند داد، مازوچی بیان داشت: «شما باید هر کارگر را یک رئیس ایمنی در کارخانه بدانید. در زمینه بهداشت و محیط زیست کارخانه، هر مرد و زنی باید یک مأمور باشد». اتحادیه مازوچی، یعنی اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی (اُکاو)، قبل از اُشا تشکیل شد. در سال ۱۹۷۲، مازوچی با فعال سابق انجمن دانشجویان دموکرات<sup>۲</sup>، همکاری کرد تا بر روی خطرات برلیوم در کارخانه کاوکی بریل کو<sup>۳</sup> در شهر هزلتون<sup>۴</sup> در ایالت پنسیلوانیا کار کنند. کارگران در اواخر سال ۱۹۷۲، شش ماه دست به

نقض هریک از قوانین نیز در نظر گرفته شد. مؤسسه ملی بهداشت و ایمنی حرفه‌ای<sup>۱</sup> ایجاد شد تا استانداردهایی را تدوین نموده و فهرستی از مواد سمی را جمع‌آوری کند. کارگران دارای حق شرکت در تدوین استاندارد، بازرسی محل کار و نظارت بر خطرات شدند. در مورد خطرات قریب الوقوع، اتحادیه‌ها می‌توانستند، درخواست بازرسی سریع و فوری دهند. با این حال، سازمان دهندگان خوب اتحادیه می‌دانند که اگر کارگران آمادگی نداشته باشند تا برای اجرای این قراردادها، خود را سازمان‌دهی نمایند، آن‌ها فقط یک تکه کاغذ هستند. مازوچی بیش از هر رهبر اتحادیه دیگری دریافت که همین

این قانون‌گذاری، چیزی عینی وجود داشت که اومی توانست، سریع آن را ارائه دهد. در ۲۹ دسامبر سال ۱۹۷۰، لایحه بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، به قانون تبدیل شد و در ماه آوریل سال بعد، اداره بهداشت و ایمنی حرفه‌ای تأسیس شد.

**کارگران، قانون بهداشت و ایمنی حرفه‌ای را تصویب و سپس برای پیشروی بیشتر، از آن استفاده کردند** وقتی که اُشا واقعیت یافت، مرزهای جدیدی از حقوق و موضوعات را به روی کارگران باز کرد تا حول محور آن‌ها سازمان‌دهی گردند. اُشا از کارفرمایان خواست تا «برای هریک از کارگرانش، شغل و محل کاری فراهم آورد که به دور از خطرات شناخته شده باشند». کارفرمایان ملزم بودند که گزارشی از ثبت بیماری‌ها و جراحات کارگران نگاه دارند. مجازات مدنی و کیفری برای

2. SDS (Students for a Democratic Society)

3. Kawecki Berylo

4. Hazelton

1. The National Institute of Occupational Safety and Health (NIOSH)

بوده است؛ کارگران و طرفداران محیط زیست، باهم همکاری می‌کنند تا به یک هدف مشترک برسند».

صنعت نفت حتی نماینده‌ای را به جلسه هیئت مدیره سیرا کلاب فرستاد تا مانع از پشتیبانی‌شان، از اعتصاب گردد اما آن‌ها در این کار خود، مستحکم و ثابت قدم بودند. یک روزنامه این مشارکت غیرمنتظره را این طور تیترو کرد: «آرکی بانکراز سازمان سیرا کلاب بازید می‌کند». اعتصاب به طور رسمی در یکم ماه ژوئن سال ۱۹۷۳ پایان یافت و شرکت، به برخی و نه تمام درخواست‌ها، تن درداد؛ اما مهم‌تر از آن، این اعتصاب، مدلی را فراهم نمود درباره اینکه چطور بهداشت و ایمنی را فراتر از آشا سازمان دهی نمایند. مشخص بود که خلق آشا بر تلاش‌ها و اقدامات برای بهداشت و ایمنی در جاهای دیگر و تحت لوای جنبش کارگری نیز تأثیرگذار بود. در دهه ۱۹۷۰، قراردادهای اتحادیه در برخی صنایع، نمایانگر این مسئله بودند.

در سال ۱۹۷۰، در قرارداد اتحادیه کارگران صنعت پلاستیک<sup>۱</sup>، یک برنامه تحقیقاتی ۵ ساله در خصوص بهداشت و ایمنی به هزینه شرکت گنجانده شده بود. اتحادیه کارگران صنعت پلاستیک، نخستین قرارداد اتحادیه را منعقد ساخت، در یکی از بندهای قرارداد، حقوق کارگران

بتوانند به موضوعات بهداشت و ایمنی اتحادیه رسیدگی نمایند. بیشتر صنایع نفت به جز شل اویل<sup>۱</sup>، با این تقاضاها موافقت کردند که در واقع زمینه را برای یک اعتصاب تاریخی مهیا نمود و شاهد نخستین اتحاد بین کارگران و طرفداران حفظ محیط زیست، در مقیاسی وسیع گشتیم.

### آرکی بانکر<sup>۲</sup> از سازمان سی پرا کلاب<sup>۳</sup> بازید می‌کند

در ۲۱ ماه ژانویه سال ۱۹۷۳، بیش از ۴ هزار کارگر شرکت شل - که عضو اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی بودند- دست به اعتصاب زده و یک تحریم سرتاسری به راه انداختند. مازوچی پیش خود فکر کرد که تنها امید آن‌ها، فشار عمومی گسترده از طریق یک ائتلاف است. مازوچی برای کسب حمایت به سازمان اقدامات محافظت از محیط زیست<sup>۴</sup> نزدیک شد و از مهارت‌های فعالان محیط زیست نظیر کتی لِرزا<sup>۵</sup>، مدیر سازمان اقدامات محافظت از محیط زیست استفاده کرد. آن‌ها کمیته‌ای برای حمایت از اعتصاب شل تشکیل دادند. لِرزا می‌نویسد: «این اعتصاب برای فعالان محیط زیست آینده‌نگر، مهم است زیرا هدف آن، تحقق ائتلافی است که مدت‌ها آرزوی‌شان

اعتصاب زدند و تقاضاهایی داشتند که شامل ایمنی و بهداشت نیز می‌شد. آن‌ها از اتحادیه می‌خواستند که کنترل و نظارت کامل بر برنامه بهداشت صنعتی کارخانه داشته باشد و همچنین، تقاضایشان این بود هنگامی که کارگری دچار بریلیوز (مسمومیت با برلیوم) می‌شود، به طور خودکار، با حقوق کامل بازنشسته شود و از مزایای درمان نیز برخوردار گردد. حتی تقاضای خارق‌العاده دیگر آن‌ها این بود که با پایان بخشیدن به سوزاندن دورریزهای آلوده به برلیوم در گورستان زباله، جمعیت ساکن در آن اطراف نیز ایمن گردند.

بازهم با استفاده از منزل خود به عنوان سکوی پرتاب، مازوچی تلاش کرد که یک جریان بهداشت ایمنی حرفه‌ای تحت حمایت اتحادیه ایجاد نماید تا بتوان در حوزه داخلی، آن را به پیش بُرد. تمام این فعالیت‌ها باعث شد که مسئله بهداشت و ایمنی، موضوع مهم مذاکرات سال ۱۹۷۲ برای قرارداد اتحادیه کارگران صنعت نفت، هسته‌ای و مواد شیمیایی گردد. تقاضاهای اتحادیه این بود که بازرسی‌ها توسط مشاوران مستقل، مورد تأیید کارگر و مدیر انجام شود، پزشکان مورد تأیید اتحادیه برای معاینه بیابند و دسترسی به تمام گزارش‌ها بیماری و مرگ‌ومیرها وجود داشته باشد و مرخصی با حقوق برای کارگران وجود داشته باشد تا

1. Shell Oil  
2. Archie Bunker  
3. Sierra Club  
4. Environmental Action (EA)  
5. Cathy Lerza



نسبت به اطلاعات، مشخص شده بود و کارفرمایان، ملزم شده بودند تا با هزینه خود، نمایندگان ایمنی اتحادیه را به شرکت بیاورند. در سال ۱۹۷۱، کارگران فولاد-که طرفدار قانون‌گذاری در خصوص ایمنی محل کار بودند- درباره حق بازرسی از سوی اتحادیه و کمیته‌های مشترک به هزینه شرکت مذاکره نمودند. تا دهه ۱۹۸۰، ۵۰ اتحادیه، اقدامات ایمنی و بهداشت درون سازمانی انجام داده بودند. در دهه ۱۹۷۰، ائتلاف‌های بهداشت و ایمنی حرفه‌ای<sup>۱</sup> تشکیل شد تا درباره خطرات برای سلامتی به کارگران آموزش دهد و ارتباط بین متخصصان سلامت و اعضای اتحادیه را قوام بخشند. بسیاری از شهرها هنوز هم تا به امروز، ائتلاف‌های بهداشت و ایمنی حرفه‌ای فعال دارند. در سال ۱۹۸۰، این ائتلاف‌ها با هم هماهنگ شدند تا یک اصلاحیه کنگره‌ای در مورد قانون بهداشت و ایمنی حرفه‌ای ترتیب دهند زیرا در قانون بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، ۹۰ درصد از محل کارها از بازرسی‌های اُشا معاف شده بودند. با این حال، بیشتر اتحادیه‌ها از فرصت‌هایی که اُشا برای آن‌ها به وجود آورده بود، نهایت استفاده را نکردند و بر چانه‌زنی‌های جمعی سنتی تمرکز نمودند. با توجه به رکود اقتصادی که درست پس از به تصویب رسیدن اُشا به وجود آمد، این مسئله تا حدی قابل درک

است. دشوار است که تمرکز خود را از تقاضاهای اقتصادی برداریم، آن‌هم درست زمانی که این‌گونه تقاضاها، بیشتر به یک موضوع مهم برای اعضا تبدیل شده‌اند؛ اما ناتوانی در ایجاد ائتلاف‌های گسترده مانند همان کاری که مازوچی انجام داد، باعث شد تا جنبش کارگری بیشتر در برابر حمله و جداسازی‌ها آسیب‌پذیر گردد.

سال‌های بلافاصله پس از تأسیس اُشا، نشان می‌دهد که از طریق تعهد سازمانی از سوی جنبش کارگری، می‌توان پتانسیل این اُژانس را محقق ساخت. اتحادیه‌ها می‌بایست تنها به صورت تهاجمی از اُشا استفاده کنند و با مطرح ساختن موضوع آن در مذاکرات و چانه‌زنی‌ها، منطقی‌تر را تقویت کنند؛ اما به جز اعمال جنبش کارگری، پویایی‌های سیاسی دیگری هم وجود دارد که به شدت، کارآمدی اُشا را دراز بین بردن خطرات در محل کار محدود ساخته‌اند.

### اعتصاب کسب‌وکارها بازگشته و

ایمنی کارگران، تنزل یافته است  
اُشا محصول دولت به‌زیستی همگانی<sup>۲</sup> بسیار محدود ایالات متحده آمریکا است. این اُژانس به عنوان تلاشی در راستای پاسخگویی به شیوه‌های خطرناک سازمان‌دهی تولید توسط کارفرمایان تشکیل شد، چون هیچ تلاشی از سوی دولت صورت نگرفت تا از

همان ابتدا در فرآیندهای تولید مداخله کند. این تمایز مهم تا حدودی می‌تواند ناتوانی اُشا در بهبود اساسی ایمنی در محل کار و افول آن در چهار دهه گذشته را شرح دهد. همان‌طور که ما امروز از اُشا دفاع می‌کنیم، به‌منظور داشتن چهارچوبی بهتر، برای فردا نیز باید تلاش و مبارزه کنیم. جنبش کارگری و دولت نظارتی، آماده واکنش سازمان‌دهی شده شرکت‌ها به اقدامات ایمنی در محل کار نبودند؛ تا تلاش‌های سازمان‌های بزرگ، شروع کردند به حرف زدن و عمل نمودن به عنوان یک طبقه منسجم. بیزنس راندتیبیل<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۲، برای هماهنگ‌سازی تلاش‌ها در صنایع تشکیل شد. مؤسسات تجاری به واکنش‌گتن نقل مکان کردند و تعداد کمیته‌های اقدام سیاسی<sup>۴</sup> در شرکت‌ها به‌طور تصاعدی بالا رفت. اتاق بازرگانی، مرکز داوری اتاق ملی<sup>۵</sup> را در سال ۱۹۷۷ تأسیس کرد تا نظارت بر بهداشت و ایمنی را به چالش بکشد و کمپین «توقف اُشا» را به راه انداختند. کارفرمایان همچنین، دریافته‌اند که آن‌ها باید منافع خود را شناسایی نمایند و آن را مشابه با منافع عموم جامعه در شغل، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بدانند. آن‌ها از نظارت حمایت کردند اما فقط اگر به لحاظ اقتصادی مناسب و

3. The Business Roundtable

4. political action committees ("PAC")

5. National Chamber Litigation Center

۲. نظام به‌زیستی همگانی: کشوری که دولت آن عهد دارد تأمین خدمات رفاهی رایگان برای همه مردم است.

1. Coalitions on Occupational Safety and Health (COSHs)



مساعد به نظر می‌رسید و بر جو کلی اقتصاد، آسیبی وارد نمی‌ساخت. مواجهه با این چارچوب بندی سخت بود زیرا این منطق، باز تولید شده بود حتی توسط اتحادیه‌هایی که مشاغل و استاندارد زندگی خود را وابسته به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌دیدند. اتاق بازرگانی مخالفت خودش را با لفاظی شبه پوپولیستی بیان نموده و اعلام کرد: «همه ما به دلیل شکست‌های اُشا، تقاص پس می‌دهیم. وقتی به عنوان مصرف‌کننده پول کالاهایی را که گران می‌خریم، می‌دهیم. ما به عنوان مالیات پردازان، مالیات بیشتر و بیشتری می‌پردازیم (و پول هایمان ته می‌کشد) تا یک آژانسی را تأمین مالی نمایم که مخارج و هزینه‌هایش زیاد است اما نتایج آن کم».

کارفرمایان، ایجاد تغییرات اساسی در قانون نظارت برای منی محل کار را در اولویت خود قراردادند. آن‌ها خواهان اهداف کلی کاهش خطر بودند تا این‌که تغییرات مشخصی در آن بدهند. به جای جریمه و مجازات، بازرسان اُشا باید با شرکت‌ها «مشورت» و «همکاری» می‌کردند. در نهایت، کارگران نباید در این فرایند، مشارکتی داشته باشند، زیرا اتحادیه‌ها از بهداشت و ایمنی در چانه‌زنی‌ها، یک سلاح ساخته بودند. نقص مخرب دیگر این بود که قانون ایمنی و بهداشت ایمنی، کار اجرا را بر عهده شاخه مجریان قرار داده بود، نه کارگران و اتحادیه‌ها.

این مسئله، قانون فوق را در معرض نزاع دوحزبی قرارداد و آن را به توازن نیروهای سیاسی وابسته نمود. رکود سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵، باعث شد که ایده‌های محافظه‌کارانه درباره تأثیر منفی دولت بر اقتصاد احیا گردند و این مسئله، خبربندی برای اُشا بود.

رئیس جمهور فورد<sup>۱</sup>، یک دستور اجرایی صادر نمود که آژانس‌ها را ملزم می‌ساخت، بیانیه‌های تأثیر تورم<sup>۲</sup> را برای اداره مدیریت و بودجه ارسال کنند. این مسئله حائز اهمیت بود زیرا هیچ بندی در قانون اولیه اُشا وجود نداشت که آن را ملزم بدارد، هزینه‌ها را هم به حساب آورد. علی‌رغم مطالعات اقتصادی که نشان می‌داد نظارت اجتماعی، به هیچ شیوه قابل توجهی کسب و کار آزاد را سرکوب نمی‌کرد، این مرور تورم‌ها ادامه یافت. تغییراتی که رئیس جمهور فورد ایجاد کرده بود،

تأثیر فوری بر توانایی اُشا در تدوین استانداردها گذاشت. از سال ۱۹۷۵ تا پایان دولت فورد، اُشا سعی کرد که یک بسته پیشنهادی حاوی ۱۳ پیشنهاد استانداردهای بهداشتی را از قبیل قوانین آرسنیک، سرب و انتشار کُک از کوره‌ها ارائه دهد؛ اما کاخ سفید آن‌ها را مجبور کرد، برای توجیه کردن هر الزام، از منابع بسیار محدودی استفاده کنند و فقط قوانینی برای انتشار کُک از کوره‌ها تصویب شد. رونالد ریگان<sup>۳</sup> حذف نظارت دولت را بخش عمده تحول محافظه‌کارانه خود قرارداد و حتی یک فرایند مرور مفصل‌تری را ایجاد نمود که برآورده نمودن آن دشوار بود. در دولت او، بازرسان از ارجاع روزانه شکایات کارگران به کارفرمایان دلسرد شدند، مگر آنکه کارگران به طور مکتوب بیان می‌کردند: «نقض قوانینی وجود دارد که خطر قریب الوقوع یا فیزیکی را به

1. President Ford  
2. Inflation Impact Statements

3. Ronald Reagan

## ایمنی کارگران در آمریکا، قبل از این باندمی نیز یک بحران بود

سال نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ، چیزی کم از حمله به آشنا نداشته است. مدیردبی پرکویتز<sup>۴</sup> بیان می‌دارد: «طبق برنامه پروژه قانون استخدام ملی، شاهد آن هستیم که پرچم‌های سرخ<sup>۵</sup> زیادی در اجرا و نیروگیری آشنا کم شده، حال آن‌که تعداد تحقیقات در خصوص مرگ‌ومیرها بالا است. این، سندی آشکار مبنی بر این بوده که مرگ‌ومیرهای محل کار رو به افزایش است». تعداد بازرسان به کمترین حد در طول تاریخ تشکل آژانس، کاهش یافته و باعث شده است که آن‌ها، متأسفانه برای بحران کووید-۱۹ آماده نباشند. رئیس سابق آشنا، آقای دیوید میچل<sup>۶</sup>، با تأسف گفته است: «آن‌ها برای مبارزه با این اپیدمی، دست‌به‌کار نشده‌اند. آشنا در کل این پاسخ، نامرئی بوده و دیده نشده است. اکنون، ترامپ به بیشتر کارفرمایان در آمریکا گفته است، آن‌ها ملزم نیستند که موارد ابتلا به ویروس کرونا در میان کارگران خود را ثبت کنند و گزارش دهند.»

چنین دیدگاهی همسویان نگرش کلی ضد نظارتی دولت است. هیچ چیزی

جمعیت بالای اتحادیه (۷۰ درصد تا به امروز) و حزب قدرتمند اجتماعی-دموکراتیک، به برخی از قوی‌ترین مجموعه‌های حقوق ثبت شده ایمنی کارگر دست یافته‌اند. قانون نظارت مشترک<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) و قانون محیط کار<sup>۳</sup> (۱۹۷۷)، حق شرکت در راهبری شرکت‌ها و تعیین شرایط کاری را به کارگران اعطا نمود. کارگران سوئدی حق دارند که درباره خطرات کار بدانند، بر عملکرد خدمات داخل کارخانه نظارت نمایند و از انجام کار خطرناک، سر باز زنند. در موافقت‌نامه سال ۱۹۷۹، به اکثریت نمایندگان کارگران اجازه داده شد که به‌طور دائم در کمیته‌های ایمنی و بهداشت در داخل کارخانه شرکت نمایند.

کارگران با داشتن اتحادیه‌های ضعیف و نداشتن ابزارهای سیاسی که بتواند به‌عنوان یک طبقه عمل نمایند، نمی‌توانند به اصلاحات اساسی ایمنی محل کار برسند. مداخله قوی‌تر دولت در سازمان‌دهی تولید، به‌منظور مقابله با انگیزه سودجویی کارفرمایان، دلیل اصلی و ریشه‌ای خطرات محل کار است. اگر منظور ما از دموکراسی اجتماعی، قدرت و اختیارات بیشتر کارگر در تمامی سطوح جامعه است، این گرایش روزافزون در سیاست آمریکا، پایه‌پای جنبش بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، قوی پیش خواهد رفت.

دنبال دارند». سهم آشنا از بررسی‌ها در پاسخ به ابتکار عمل‌های کارگر محور از ۳۲٫۳ درصد در دوران ریاست جمهوری کارتر، به ۱۴٫۵ درصد در دوره ریاست جمهوری ریگان کاهش یافت.

## برای ایمنی کارگران واقعی، ما نیاز به دموکراسی اجتماعی در آمریکا داریم

همان چارچوبی که آشنا در آن وجود دارد، باعث شده است که نسبت به فرسایش آسیب‌پذیر باشد. سرنوشت بهداشت و ایمنی در آمریکا، به توانایی ما در ایجاد یک سیاست اجتماعی-دموکراتیک بستگی دارد. کشورهایی با سیاست دموکراتیک-اجتماعی قوی یا احزاب کارگری، توافقات سه‌جانبه در خصوص ایمنی محل کار و جمعیت بالای اتحادیه‌ای، در نظارت بر محل کار، بسیار بهتر عمل نموده‌اند. مدل قدیمی سوئدی‌ها را باید به‌عنوان افقی در نظر گرفت و کوشید تا به آن رسید. در سوئد، استانداردهای بهداشت و ایمنی حرفه‌ای بین فدراسیون‌های اتحادیه اصلی، هیئت محافظت از کارگر<sup>۱</sup> و سازمان کارفرما مذاکره می‌شود. قدرت و اختیارات هیئت محافظت از کارگر، زیاد است و استانداردهای آن‌ها، سخت‌گیرانه‌تر از استانداردهای آشنا هستند. حتی اجازه داده نمی‌شود که به لحاظ حقوقی، هیئت محافظت از کارگر به چالش کشیده شوند.

4. Debbie Berkowitz

۵. پرچم سرخ: سیاست نماد سوسیالیسم، کمونیسم و جناح چپ سیاسی محسوب می‌شود که از سوی چپ‌گرایان از زمان انقلاب فرانسه (۱۷۸۹-۱۹۹۰) بکار برده می‌شد. در جریان انقلاب‌های ۱۸۴۸ سوسیالیست‌ها این نماد را استفاده کردند. همچنین این نماد توسط هواداران سوسیالیسم دموکراتیک و هواداران سوسیال‌دموکراسی بکار برده می‌شود

6. David Michaels

2. Joint Regulation Act

3. Work Environment Act

1. Worker Protection Board (ASV)

بهبتر از دستور اجرایی ماه ژانویه سال ۲۰۱۷ که آژانس‌های فدرال را ملزم می‌ساخت دو قانون نظارتی را به ازای هر یک قانون پیشنهادی جدید کم کنند، آن را نشان نمی‌دهد. ترامپ، همچنین دستور اجرایی محل کار ایمن و مناسب را که در دوره اوباما صادر شده بود، لغو نمود. این دستور اجرایی پیمانکاران فدرال را ملزم می‌ساخت که از قوانین بهداشت و ایمنی پیروی کنند تا بتوانند واجد شرایط انعقاد قراردادهای جدید فدرال گردند. در اَشای دوره ترامپ، خطرناک‌ترین مشاغل حتی بدتر هم می‌شوند. برای آن‌که ۱۱ میلیون دلار در سال برای صنعت پس‌انداز شود، دولت ترامپ، الزام آموزش کارگران کشتی‌سازی به منظور جلوگیری از در معرض برلیوم (ماده‌ای سرطان‌زا) قرار گرفتن را لغو کرد.

رئیس ایمنی معدن در دوره ترامپ، دیوید زاتزالو<sup>۱</sup> مدیر اجرایی پیشین زغال سنگ بوده که تا همین اواخر یعنی در سال ۲۰۱۱، توسط آژانسی که اکنون رهبری آن را به دست گرفته است، به عنوان الگوی نقض ایمنی‌ها معرفی شد. قانونی که در سال ۲۰۱۸ پیشنهاد شد، شرکت‌های با ۲۵۰ کارگر یا بیشتر را ملزم به ارائه داده مفصلی درباره جراحات و بیماری می‌ساخت. این گزارش‌ها، ابزار مهمی برای اتحادیه بودند؛ همان‌طور که مدیر دپارتمان ایمنی<sup>۲</sup>، آقای

دیوید مولین<sup>۳</sup> نیز شرح داده است: «من از گزارش‌های سوانح استفاده می‌کنم تا به جلوگیری از وقوع برخی سوانح دیگر کمک نمایم، بنابراین، هرچقدر که اطلاعات بیشتری داشته باشیم، کار بیشتری نیز می‌توانیم انجام دهیم تا اعضای خود را ایمن نگاه داریم».

این حملات نه تنها دستاوردهای گذشته اَش را تضعیف می‌کند، بلکه همچنین باعث می‌شود که قادر نباشد به شرایط و چالش‌های ایمنی جدید شرایط کار پردازد برای مثال اَش استاندارد استرس گرما (گرمازدگی) را اتخاذ نکرده است با این‌که تغییر آب‌وهوا باعث شده است این موضوع مهمی برای کارگران باشد. امروزه حتی قبل از این پاندمی، کارکنان بخش سلامت، آسیب بیشتری می‌بینند و نیاز به زمان دارند تا برای مدتی از محل کار خود دور باشند بلکه آسیب‌هایشان التیام یابد. تجهیزات مرتبط با بیمار نظیر آسانسور، برانکارد و تخت‌های کشویی، می‌تواند به طور چشمگیری از فشار آن‌ها بکاهد، لیکن اَش

3. David Mullen

استانداردی برای این منظور تدوین ننموده است. شیوع روزافزون کارهای واگذار شده به پیمانکار، نمایانگر چالش‌های جدید برای اجرای قوانین ایمنی کار می‌باشد. پاندمی ویروس کرونا، درس مهمی به ما داده است، مبنی بر این‌که وقتی سرکار می‌رویم، بهداشت و ایمنی نباید پایان یابد. نیاز به اَش امروزه نیز شدیداً احساس می‌شود؛ در سال ۲۰۱۸، ۵۲۵۰ کارگر در محل کار خود مردند و با آمدن ویروس کووید-۱۹، محیط‌های کار، حتی کشنده‌تر از قبل شده‌اند. ما باید مبارزه اساسی کنیم تا منابع و توانمندی‌های اَش را افزایش دهیم. اتحادیه‌ها باید ایمنی و بهداشت را موضوع مهم صحبت‌ها و چانه‌زنی‌های خود قرار دهند. طور گسترده، افق‌های ما باید ایجاد ابزارهای سیاسی برای افراد طبقه کارگر باشد تا بتوانند اختیارات و قدرت‌های بیشتری در تمامی سطوح جامعه اعمال نمایند.

منبع:

پاتول پرسکاد (۲۰۲۰)، مطلبی با عنوان «ویروس کرونا به ما نشان می‌دهد که چرا بهداشت و ایمنی حرفه‌ای، به مسئله مرگ و زندگی برای کارگران، تبدیل شده است؟» در نشریه «ژاکوبین» منتشر شده است:  
<https://www.jacobinmag.com/2020/04/occupational-health-and-safety-act-coronavirus-mazzocchi>

1. David Zatezalo

2. IBEW